

کارنامه رسانه‌های

برخی افراد او را به عنوان ورزشی‌نویس در هفته نامه‌های دنیای ورزش، نخست، ورزش شرق و روزنامه قدس به یاد می‌آورند. از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸ به عنوان مسئول صفحه ورزش و دبیر سرویس ورزشی روزنامه قدس مشغول به کار بوده است. در این سال‌ها او با روزنامه اطلاعات، اطلاعات هفتگی، دانش و ورزش، نشاط، ایران ورزشی، روز ورزش، نخست، شهرآرا، ورزش شرق، رادیو ورزش، رادیو مشهد و گروه ورزش سیمای خراسان همکاری داشته است. او از ورزشی‌نویسان تخصصی هندبال است که حدود ۳۸ سال است در این زمینه می‌نویسد. علاوه بر فعالیت‌های ورزشی تحصیلات عالی را در مؤسسه عالی آموزش ارتباطات تهران (دانشکده مخابرات سابق و دانشگاه خواجه نصیر فعلی) ادامه داده است. از شروع به کارش در اداره مخابرات در سال ۵۷ تا ۳۲ سال بعد که بازنشسته می‌شود هم‌زمان در چند حوزه دیگر از جمله هیئت‌های هندبال سبزوار و خراسان به عنوان دبیر، هیئت تنیس روی میز استان به عنوان رئیس و سرویس ورزشی روزنامه قدس به عنوان دبیر فعالیت می‌کرد. او عضو انجمن ورزشی نویسان کشور و هیئت مؤسس انجمن خبرنگاران و عکاسان ورزشی خراسان نیز هست. به دلیل فعالیت‌هایش و همچنین به عنوان پیش‌کسوت هندبال از او بارها تجلیل شده و از سوی معاونت تربیت بدنی شهرداری مشهد و شهرداری منطقه ۹ نیز به پاس زحمات‌هایش به عنوان فعال رسانه، لوح افتخاری به او اهدا شده است.

رسانه مورد نظر ارسال می‌شد تا آن‌ها برای چاپ به تهران بفرستند. گاهی که عجله داشتیم و امکان سوختن خبر یا گزارشی وجود داشت مجبور بودیم با تلفن گزارش را بخوانیم و فرد آن طرف خط یادداشت کند. خبرنگاری در دوره ما با تمام سختی‌هایش زیبا و کاری منحصر به فرد بود.

در نوشته‌هایم از هیچ تیمی جانب‌داری نکردم

او که از استادان سبک‌ورزشی نویسی در مشهد است می‌گوید: «در گذشته مانند الان نبود که تعداد رسانه‌ها زیاد باشد. این مطلب از یک بابت خوب بود چون همان تعدادی که چاپ می‌شد گزارش‌هایی بود که ارزش خواندن داشت. الان که تعداد روزنامه‌های ورزشی زیاد شده است زردنویسی هم زیاد شده، البته این نکته مثبت راهم به همراه دارد که به دلیل فراهم شدن فضای نوشتن برای تعداد زیادی از افراد، استعداد‌های خوبی شکوفا می‌شوند. از طرفی باید دقت داشته باشیم که کار رسانه‌ها پراسترس و حساس است زیرا وقتی مطلبی چاپ شد دیگر راه برگشت و اصلاح ندارد. یکی از نکاتی که همیشه مدنظر داشتم این بود که در نوشته‌هایم جانب‌داری از هیچ تیمی نکنم، هیچ وقت هم دچار غرور نشوم. به همین دلیل همیشه گزارش‌هایم را به فرد دیگری می‌دادم تا قبل از چاپ آن را بخواند. افرادی هم که ورزشی‌نویسی را از من یاد گرفتند این نکته را در زندگی‌شان به کار می‌بردند. مثلاً سید هادی فیاضی که از مدیران موفق رسانه است، اولین قدم‌های ورزشی‌نویسی را از من یاد گرفت، اما هیچ وقت دچار غرور نشد و با اینکه اکنون خودش جزو رسانه‌های موفق کشور است باز هم در موارد مختلف از من مشورت می‌گیرد و احترام به پیش‌کسوت را سرلوحه کار خود قرار داده است.»

روزگار باز نشستگی

منزل پدری محمد رضا خزاعی سالیان سال در محله آب‌برق بوده و خودش نیز در همین محدوده از شهر زندگی کرده و خاطرات زیادی از روزگار قدیم این محله‌ها دارد. او که تمام عمر مشغول فعالیت بوده اکنون گاهی دست به قلم می‌برد و یادآوری‌های روزهایش می‌کند. خزاعی با کوله‌باری از تجربه و خاطره می‌گوید: «هیچ وقت در زندگی دست از مطالعه برندارید. کتاب خواندن همیشه انسان را شادان نگه می‌دارد.» برمی‌خیزد و چند قاب عکس و دستخط قدیمی را که روی دیوار جاخوش کرده اند بابت نشان می‌دهد و می‌گوید: «این‌ها عکس پدرها و پدربزرگ‌ها و اجداد من و همسر من هستند. از آنجایی که ما با هم فامیل هستیم اجداد مشترک داریم. این دست‌نوشته‌ها، عکس‌ها، کتاب‌های قدیمی و ظروف عتیقه همگی جزئی از تاریخ خانواده ما و اربابان می‌کنند و بر ایمان از نشمندانند. من افتخار می‌کنم که عمری را در مسیر ورزش و فرهنگ قدم برداشتم و سه پسر دارم که هر کدام به نوعی به جامعه خدمت می‌کنند.»

با «کاظم عرب» و «قاسم شعبانپور»، ملی‌پوشان دهه ۶۰ نیز آشنا بودم. آن‌ها می‌دانستند به هندبال علاقه دارم و به دعوت آن‌ها در تیم‌های پیام و مخابرات سبزوار این ورزش را شروع کردم. البته بسکتبال هم بازی می‌کردم. سال ۱۳۶۲ با تیم بسکتبال پیش‌کسوتان، قهرمان باشگاه‌های سبزوار شدم. هم‌زمان با هیئت هندبال با سمت مسئول روابط عمومی همکاری کردم و سال‌های بعد، دبیر هیئت هندبال سبزوار شدم. از سال ۱۳۶۲ نیز به عنوان خبرنگار ورزشی فعالیت کردم.»

خبرنگار تخصصی هندبال

خزاعی از ورودش به دنیای خبرنگاری این‌طور می‌گوید: «در سال ۶۲ که سومین دوره مسابقات هندبال شهدای هویزه در سبزوار برگزار می‌شد قرار بود کار ارتباط با رسانه‌ها را من انجام بدهم. از این رو با نمایندگان رسانه‌های ورزشی تماس گرفتم و آن‌ها را دعوت کردم. اما از آن جایی که تعطیلات نوروز بود، گفتند شما گزارش‌ها را برایمان ارسال کن تا با نام خودت کار کنیم. من هم که دست به قلم بودم و ششم ادبیات داشتم قبول کردم. اما آن زمان تصور نمی‌کردم بخواهم به‌طور حرفه‌ای این کار را ادامه بدهم. مدتی بعد از چاپ اولین گزارشم که به‌طور تخصصی برای هندبال نوشته شده بود، با پیشنهاد نشریه دنیای ورزش، به عنوان خبرنگار این هفته‌نامه، کارم را به عنوان اولین هندبالی‌نویس تخصصی در نشریات کشور آغاز کردم. با اینکه کار خیلی سنگین می‌شد اما چون علاقه داشتم می‌توانستم زمان را مدیریت کنم. زمانی هم که به مشهد برگشتم و مسئولیت صفحه ورزشی روزنامه قدس بر عهده‌ام بود ساعت ۳ و نیم صبح، خود روزنامه دنبال می‌آمد و قبل از ساعت ۷ صبح صفحه ورزش را می‌بستم. ساعت اداری به اداره مخابرات می‌رفتم و بعد از آن به کارهای هیئت رسیدگی می‌کردم. البته در خانه هم سری دلسوز و همراه داشتم که مدیریت خانه و فرزندانم را به عهده گرفته بود. با اینکه خودش شاغل بود اما هیچ‌زمان از چیزی غلایه‌انداشت و با سختی‌هایی که در زندگی‌ام بود به خوبی خودش را وفق می‌داد.»

خبرنگاری بدون امکانات، سخت ولی دوست‌داشتنی

خزاعی داشتن تخصص و علاقه را در کنار استعداد نویسنده‌گی برای خبرنگاری لازم می‌داند و می‌گوید: «شک‌نکنید نظم، برنامه‌ریزی و سخت‌کوشی پایه‌های اصلی پیشرفت هستند. وقتی این موارد را در زمینه‌ای که به آن علاقه‌مند هستید به کار بگیرید بدی شک در آن زمینه تخصص لازم را هم کسب می‌کنید. من همواره این نکات را در زندگی کاری و شخصی‌ام مدنظر داشتم و هیچ وقت دچار غرور نشدم و همیشه مطالعه را ادامه داده‌ام. تصور کنید آن زمان خبرنگاری مانند الان نبود که تجهیزات آماده باشد و امکانات فراوان. ما مجبور بودیم برای تهیه گزارش مطلب را در سه‌سخت‌نویسیم که بعد از مدتی استفاده از کاربن کار ما را راحت‌تر کرده بود. بعد هم گزارش به دفتر نماینده‌گی



نفر دوم ایستاده از راست

آدامس «خروس نشان» جایزه گذاشته بود. هر فردی که ۳۰۰ پوستر آدامس را به دفتر نمایندگی این برند در فروشگاه «گل سرخ» در حدفاصل ایستگاه سراب و چهار طبقه، (دروازه طلایی فعلی) می‌برد و تحویل می‌داد، یک توپ فوتبال دریافت می‌کرد. به همه بچه‌های تیم گفته بودم پوسترهای آدامس‌هایشان را جمع کنند. حتی اگر پوستر آدامسی را روی زمین دیدند بردارند. بالاخره بعد از چند ماه تلاش ۳۰۰ پوستر آدامس جمع شد. با ذوق و شوق به فروشگاه گل سرخ رفتم و بعد از تحویل پوستر آدامس‌ها توپ را گرفتم. توپ‌های فوتبال آن سال‌ها، رویه چرمی داشت و قسمت داخلی آن لاستیکی بود که به آن «ویسی» می‌گفتند و پاناسوس (تلمبه) بادمی شد. او در باره تیم‌شان می‌گوید: «از همین تیم که در زمین خاکی بازی می‌کرد و امکاناتی نداشت باز یکنانی چون بهرام و بهزاد جاوید، عباس غلامی، هادی صنعتی پور و عباس پور ابراهیم به فوتبال مشغول معرفی شدند.»

اولین مسابقه، اولین برد

به اومی گویم: «من شمارا با عنوان ورزشکار هندبال ایست می‌شناسم اما شما از بسکتبال می‌گویید!» ابرویی بالا می‌اندازد و با حالت سر که مراد عوت به صبوری می‌کنم می‌گوید: «صبر داشته باش دخترم تا از هندبال هم بگویم. سال تحصیلی ۱۳۵۰-۱۳۴۹ اولین دوره مسابقات هندبال دبیرستان‌های مشهد با حضور ۱۰ تیم برگزار شد. آقای مجیدزاده، مربی ورزشمان از من و تعدادی از دوستانم که بسکتبال بازی می‌کردیم خواست تا در رشته هندبال که تازه وارد کشور شده بود بازی کنیم و بعد هم ما را برای مسابقات آماده کرد. با اینکه هندبال رشته ورزشی جدیدی بود اما مقام دوم را به دست آوردیم و این برد برای همه‌مان بسیار شیرین و خاطره‌انگیز بود.»

سبزوار را مهد ورزش هندبال می‌دانم

خزاعی سال ۱۳۵۱ وارد مؤسسه آموزش عالی شده و هم‌زمان به عنوان دبیر گروه ورزش فرهنگسرای کاخ مرکزی جوانان، عضو تیم بسکتبال این مؤسسه فرهنگی هم شده است. از آن جایی که هندبال در آن سال فقط در سطح آموزشگاه‌ها برگزار می‌شده، از این ورزش دور مانده اما بدین‌توتون راز بر نظر آقای اخوین، از اولین مربیان بدین‌توتون کشور شروع کرده است. بعد از اتمام دوره سر بازی و بنا به تعهدی که به شرکت مخابرات داشته از سال ۱۳۵۷ در مخابرات سبزوار مشغول به کار شده است. او که سبزوار را مهد ورزش هندبال می‌داند توضیح می‌دهد: «ورزش هندبال رشته پرچالش و سختی است و روحیه مبارزه طلبی و جنگ‌جویی می‌طلبد. مردمان کویری معمولاً با این رشته عجین می‌شوند و سبزوار هم به دلیل داشتن اقلیم خشک مردمانی سخت‌کوش و مقاوم دارد. من فکر می‌کنم علت محبوبیت هندبال در سبزوار هم همین باشد. زمانی که به سبزوار رفتم آقای «حسن بشیری» از همکاران مخابراتی‌ام، رئیس هیئت هندبال این شهرستان بود. علاوه بر آن

کارنامه ورزشی

خزاعی جزو اولین بازیکنان هندبال شهرمان بوده و بیش از ۵۰ سال است در زمینه ورزشی فعالیت دارد. این ورزشکار پیش‌کسوت شهرمان سمت‌های مختلفی در ورزش داشته است. او دبیر هیئت هندبال سبزوار، دبیر هیئت هندبال خراسان، مشاور و عضو هیئت رئیسه هندبال استان، مشاور فدراسیون هندبال کشور و در سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ رئیس هیئت تنیس روی میز استان خراسان بوده است. سال ۱۳۷۹، دوره مدیریت ورزشی را زیر نظر فدراسیون جهانی تنیس روی میز و در تهران گذرانده است. سال ۱۳۸۶ رئیس هیئت هندبال مشهد بود. سال ۱۳۷۳ به عنوان سرپرست تیم هندبال «کارتن مشهد» مقام سوم باشگاه‌های کشور را کسب کرد. در همین سال با سمت مربی و سرپرست تیم امید